



دلایل خروج بند موصولی در متون تاریخی:

مطالعه موردی سفرنامه ناصر خسرو^۱

الهام میزبان^۲، علی علیزاده^۳، اعظم استاجی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

چکیده

پژوهش پیش رو با مطالعه خروج بند موصولی و عوامل مؤثر بر آن - به عنوان یک فرایند نحوی اختیاری - به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های عوامل مؤثر بر خروج بند موصولی در سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی پرداخته است. در این راستا، با نمونه‌گیری نظام‌مند و بررسی نیمی از این متن تاریخی با فاصله‌های ده صفحه‌ای، جمله‌های موصولی متن استخراج و فرایند خروج بند از جنبه میزان خروج، جایگاه‌های خروج در دسترس، وضعیت معرفگی گروه اسمی، ارتباط جایگاه‌های افزوده با خروج بند و فراوانی آن‌ها در بند موصولی به نسبت بند اصلی، شیوه ارتباط بند موصولی با گروه اسمی مرجع، ساخت اطلاعی فعل، و وزن دستوری سازه‌های خروج یافته، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده رواج بالای خروج بند موصولی در سفرنامه ناصر خسرو است به گونه‌ای که تعداد ۱۳۸ بند از مجموع ۲۲۱ بند موصولی کتاب (۶۲٪) در جایگاه پس از فعل نمایان شده و خروج یافته‌اند. هم‌راستا با سلسله مراتب جهانی کینان و کامری (Keenan & Comrie, 1977) بیشترین خروج بند موصولی در سفرنامه مورد بحث از جایگاه‌های فاعلی و مفعولی انجام گرفته است. بیش از ۵۰ درصد موارد خروج بند

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2020.29308.1810

^۲ کارشناسی ارشد زبان شناسی، گروه زبان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛

elhammizban@um.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان شناسی، هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛

alalizadeh@um.ac.ir

^۴ دانشیار گروه زبان شناسی، هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ estagi@um.ac.ir

موصولی پیش از فعل‌های ربطی با ساخت اطلاعی زمینه‌ای بوده و همچنین بر اساس معیار وزن دستوری، بندهای خروج یافته از متن، در مقایسه با بندهای خروج یافته متون معاصر در پژوهش راسخ‌مهند و همکاران (Rasekh Mahand et al., 2012) بندهای سبک‌تری به شمار می‌آید. همچنین، در متن سفرنامه چند نمونه از ضمیرگذاری بند موصولی در جایگاه فاعلی مشاهده شد که در فارسی امروز غیر دستوری به شمار می‌آید، ولی به نظر می‌رسد در آن دوره جایز شمرده می‌شده است.

واژه‌های کلیدی: بند موصولی، خروج بند موصولی، وزن دستوری، سفرنامه

ناصر خسرو

۱. مقدمه

خروج بند موصولی فرایندی نحوی و اختیاری است که وقوع و عدم وقوع آن در دستوری بودن جمله نقشی ندارد. از این رو، این رخداد زبانی نه برحسب نیازهای دستوری، بلکه تحت تأثیر عناصر سبکی و گفتمانی انجام می‌گیرد. مقاله حاضر با توجه به این ویژگی، به بررسی فرایند خروج بند موصولی در سفرنامه ناصر خسرو پرداخته است. این پژوهش بر آن است تا با نمونه‌گیری نظام‌مند^۱ از متن کتاب و استخراج بندهای موصولی، این اثر را از جنبه فراوانی وقوع خروج بند موصولی بررسی کند و با شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر خروج بند موصولی، از جمله عواملی چون سنگینی سازه، وضعیت اطلاعی فعل و جایگاه‌های پر کاربرد در خروج بند موصولی، توصیفی کیفی از این فرایند نحوی در این سفرنامه به دست دهد.

۲. پیشینه پژوهش

۱.۲. پیشینه پژوهش‌های نظری بند موصولی

نخستین گام در تعریف بند موصولی^۲ شناخت تمایز بین جمله‌های مستقل و جمله‌های وابسته است. جمله مستقل جمله‌ای است مشتمل بر یک محمول. این جمله خودایستا بوده و در اغلب زبان‌ها دارای فعلی زمان‌دار است. در مقابل، از دیدگاه تالرمن (Tallerman, 1988, p. 73-80) جمله وابسته جمله‌ای است که معمولاً با یک واحد دستوری به نام متمم‌ما معرفی می‌شود و می‌تواند فاقد فعل زمان‌دار نیز باشد. بر مبنای تعریف مانینن (Manninen, 2002) بند موصولی شامل «یک ضمیر موصولی یا متمم‌ما است که به همراه یک هسته اسمی ظاهر می‌شود و با یک جمله پیرو که به عنوان وابسته توصیفی پسین برای هسته عمل می‌کند، همراه می‌شود»

¹ systematic sampling

² relative clause

(Manninen, 2002, p. 2). حقیقین و اسدی (Haghbin & Asadi, 2015) گروه اسمی مرجع بند موصولی فارسی را «یک گروه اسمی پیچیده که بند موصولی یک عنصر پیرامونی در آن است» (Haghbin & Asadi, 2015, p. 36) می‌دانند. اودا (Oda, 2007) این «هسته را اسم یا گروه اسمی که پیش از بند پیرو با هسته متمم ساز^۱ ظاهر می‌شود» (Oda, 2007, p. 1) تعریف می‌کند. صفوی (Safavi, 1994) می‌نویسد «گروه اسمی می‌تواند از چهار نقش فاعلی، مفعولی، متممی و مضاف‌الیهی برخوردار باشد» (Safavi, 1994, p. 185). همچنین عناصر مختلفی می‌توانند در جایگاه هسته قرار بگیرند که شامل اسم خاص، اسم عام و یا ضمیر هستند. محدودیت‌های حاکم بر این عناصر نیز در زبان‌های گوناگون، متفاوت است. برای نمونه، بهرامی (Bahrami, 2016, p. 23-24) بیان می‌کند که زبان انگلیسی، به اسم شخص و ضمیر شخصی اجازه حضور در گروه اسمی بند موصولی تحدیدی را نمی‌دهد، در حالی که در فارسی اسم شخص، اسم عام و ضمیر، هر سه می‌توانند هسته بند موصولی باشند.

زبان‌ها در زمینه نشانه موصولی نیز تفاوت‌هایی دارند. مولایی کوهبنانی (Mowlaei Kuhbanani, 2018) با اشاره به این تفاوت‌ها بیان می‌کند «نشانه موصولی حرف ربطی است که هسته را به بند پیرو خود متصل می‌کند. این عنصر در برخی زبان‌ها باید به صورت الزامی حضور داشته باشد تا بند موصولی خوش ساخت تولید شود، در حالی که در برخی دیگر از زبان‌ها در پاره‌ای از محیط‌های نحوی می‌تواند به صورت اختیاری حذف شود و یا اصولاً به صورت آشکار در رو ساخت حاضر نباشد» (Mowlaei Kuhbanani, 2018, p. 12). استاجی (Estaji, 2010, p. 2) در زبان فارسی، که را نشانه بند موصولی معرفی می‌نماید. این نشانه، بر مبنای دیدگاه مولایی کوهبنانی (Mowlaei Kuhbanani, 2018, p. 95) در تمام بندهای موصولی به یک شکل واحد به کار رفته و تحت تأثیر نقش گروه اسمی هسته، جنس، شمار و سایر ملاک‌ها تغییر نمی‌کند. به باور وی، فارسی فاقد ضمیر موصولی است و بر خلاف انگلیسی علامت موصولی در این زبان همواره ثابت است. یعنی فارغ از اینکه گروه اسمی مرجع در بند پیرو دارای نقش فاعلی، مفعولی، متممی یا مواردی از این قبیل باشد، علامت موصولی فارسی در تمام موارد دارای شکل ثابت که است بنابراین، زبان فارسی از جنبه نحوی به جز ابزار ضمیر موصولی، به هر سه گزینه دیگر دسترسی دارد.

همه انواع گروه‌های اسمی نیز به یک میزان در فرایند موصولی‌سازی مشارکت ندارند. بنابر تعریف صفوی (Safavi, 1994, p. 185) «هسته بند موصولی از دو نقش در بند پایه و پیرو

¹ complimentizer

برخوردار است. بدین معنی که از سویی دارای نقشی در بند پایه است و نیز نقشی مشابه یا متفاوت در بند موصولی (پیرو) برعهده دارد» (Safavi, 1994, p. 185). بنابراین، هسته در بند پایه می‌تواند از چهار نقش فاعلی، مفعولی، متممی و مضاف‌الیهی برخوردار باشد. چهار نقش برای هسته در بند پیرو نیز صادق است. کینان و کامری (Keenan & Comrie, 1977, p. 66) با معرفی سلسله‌مراتب دسترسی موصولی‌سازی،^۱ جایگاه فاعلی را پرکاربردترین جایگاه موصولی‌سازی در بین زبان‌های مختلف دانسته و پس از آن به ترتیب، موصولی‌سازی از جایگاه مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، مفعول حرف اضافه، اضافهٔ ملکی و مفعول مقایسه‌ای را در جایگاه‌های دوم تا ششم سلسله‌مراتب قرار می‌دهند. کینان و کامری (Keenan & Comrie, 1977) در تبیین سلسله‌مراتب موصولی‌سازی بیان می‌کنند که این سلسله‌مراتب افزون بر اینکه نشان‌دهندهٔ فراوانی وقوع هر جایگاه در زبان‌های مختلف است، از منظر روان‌شناسی نیز نشان‌دهندهٔ سهولت درک جملات موصولی است. به این معنا که درک و پردازش جمله‌های موصولی از جایگاه‌های بالاتر سلسله‌مراتب مانند جایگاه فاعلی ساده‌تر بوده و هر چه از بالای سلسله‌مراتب به سمت پائین حرکت شود درک و پردازش بند موصولی دشوارتر می‌شود (همان، ۸۸). در همین راستا، غفاری و همکاران (Ghafari et al., 2014) نیز با آزمون سطوح پیچیدگی درک، به تأثیر نقش‌های مختلف گروه اسمی بر میزان خطای کودکان ۳ تا ۶ سالهٔ فارسی‌زبان پرداخته و همزمان با صادق دانستن سلسله‌مراتب موصولی‌سازی کینان و کامری (Keenan & Comrie, 1977) در درک جملات موصولی فارسی می‌نویسند کمترین خطای درک و پردازش بندهای موصولی مربوط به گروه اسمی فاعلی و مفعولی بوده‌است.

با تعریف بند موصولی به عنوان وابستهٔ پسین اسم، که در نقش توصیف‌گر^۲ یک هستهٔ اسمی عمل می‌کند، فرایند خروج بند موصولی اهمیت چشمگیری می‌یابد، چرا که در این فرایند، وابستهٔ پسین اسم بدون وجود هیچ نیاز دستوری، از جایگاه مجاور هسته خارج شده و متمم از هستهٔ خود دور می‌شود. گوبل (Göbbel, 2013, p. 76) خروج بند موصولی را فرایندی اختیاری می‌داند که چندین عامل مانند ساخت اطلاعی و عوامل آوایی در فعال کردن آن نقش دارند. به گونه‌ای که اگر خروج بند موصولی با خوش‌ساختی آوایی^۴ در تعارض باشد، محدود می‌شود. فرانسیس (Francis, 2010, p. 5) در تبیین این عوامل هدف‌های ویژهٔ گفتمانی را برجسته کرده و می‌نویسد «خروج بند موصولی در مواردی رخ می‌دهد که بند موصولی دارای اطلاعات جدید،

^۱ Accessibility Hierarchy

^۲ modifier

^۳ extraposition

^۴ phonological well-formedness

تقابلی و مهم، اما گروه فعلی بند اصلی شامل اطلاعات قدیمی و پس‌زمینه‌ای باشد. به باور وی، هرگاه معمول جمله دارای فعل لازم با معنای وجود داشتن و ظاهر شدن باشد فرایند خروج بند موصولی بیشتر رخ می‌دهد. همسو با دیدگاه هاو کینز^۱، او بر این باور است که «وزن دستوری^۲ ملاک تسهیل پردازش بهینه جمله است که تحت تأثیر اندازه «حوزه ترکیب سازه‌ای»^۳ قرار دارد. این حوزه، عبارت است از کمترین رشته عناصر مورد نیاز برای ساخت یک گروه مادر^۴ و سازه بلافصل^۵ آن» (Francis, 2010, p. 12). شیخ الاسلامی (Sheykho'1 Eslami, 2008) نیز در تبیین دلایل خروج بند موصولی بیان می‌کند که «خروج بندهای تحدیدی در جهت سازماندهی اطلاعات کهنه پیش از اطلاع نو، ایجاد تأکید و تقابل و یا تسهیل پردازش صورت می‌گیرد» (Sheykho'1 Eslami, 2008, p. 1). راسخ‌مهند و همکاران (Rasekh-Mahand et al., 2012, p. 37) نیز با تأکید بر اینکه خروج یا عدم خروج بند موصولی هر دو به تولید جمله‌هایی معمولاً دستوری می‌انجامد، دلایل نقشی را در وقوع این رخداد مؤثر دانسته و در بررسی جداگانه‌ای، در کنار ساخت اطلاعی جمله، سه ملاک طول جمله‌ها، نوع فعل، و وزن دستوری را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها برخلاف دیدگاه شیخ الاسلامی (Sheykho'1 Eslami, 2008) تأثیرگذارترین عامل را نه ساخت اطلاعی، بلکه سه عامل وزن دستوری، نوع فعل و معرفگی می‌دانند.

با بررسی پیشینه مطالعات موجود، مشاهده می‌شود که بیشتر این پژوهش‌ها بر داده‌های زبانی معاصر متمرکز بوده و داده‌های تاریخی مورد توجه آن‌ها قرار نگرفته‌است. با این وجود، همان گونه که دگرگونی‌های تاریخی و اجتماعی در طول زمان، بر بسیاری ویژگی‌های گفتمانی و حتی دستوری تأثیرگذار بوده‌اند، انتظار می‌رود بتوان ردپای این تغییرات را بر خروج بند موصولی نیز - که شاخصی نقشی، گفتمانی و کاربردشناختی است - مورد بررسی قرار داد.

۲.۲. پیشینه مطالعات مربوط به سفرنامه ناصر خسرو

یکی از کهن‌ترین سفرنامه‌های موجود فارسی، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی است که در سال ۴۳۷ قمری (معادل ۴۲۴ شمسی و ۱۰۴۶ میلادی) آغاز شده و پس از هفت سال و در تاریخ ۴۴۴ قمری (۴۳۱ شمسی و ۱۰۵۲ میلادی) به پایان رسیده‌است. این سفرنامه، که شرح سفر ناصر خسرو به مکه است، به نثر ساده و موجز نوشته شده‌است (Haghdar, 2006, p. 19). این اثر هم از جنبه

¹ Hawkins

² grammatical weight

³ phrasal combination domain

⁴ mother node

⁵ immediate constituent

اطلاعات ارزشمند تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی که از عصر خود ارائه می‌دهد، و هم از جنبه قدمت تاریخی آن همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌است. یوسف‌نژاد (Yousefnejad, 2019) در پژوهشی زبان‌شناختی، سازوکارهای واژه‌سازی موجود در همه آثار ناصر خسرو را مورد بررسی قرار داده‌است. وی با اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد نثر *سفرنامه* بیان می‌کند که گرچه این کتاب از جنبه تاریخ نگارش متقدم *بر زاد المسافرین* - اثر دیگر ناصر خسرو - به نگارش درآمده‌است، از جنبه سبک نگارش تازه‌تر به نظر می‌رسد و به زبان ابتدای عصر غزنویان نزدیک‌تر است تا به زبان کهن‌تر سامانیان (Yousefnejad, 2019, p. 96). در پژوهشی دیگر سعیدیان (Saediyan, 2017) *سفرنامه*، *دیوان* و *جامع الحکمتین* ناصر خسرو را از منظر کلمه‌های مرکب، مطالعه کرده و شیوه‌های واژه‌سازی در آثار ناصر خسرو را مورد بررسی قرار داده‌است. شهرامی (Shahrami, 2008) نیز درباره اهمیت *سفرنامه* ناصر خسرو از چشم‌اندازهای گوناگون جغرافیایی، تاریخی، مذهبی، اجتماعی و اطلاعات زبانی آن، پژوهش دیگری انجام داده‌است. با این وجود، جای خالی بررسی دستوری و استخراج ویژگی‌های نحوی این اثر - هم به عنوان یکی از نخستین *سفرنامه‌ها* به‌جای‌مانده در زبان فارسی، و هم به عنوان نمونه توصیفی نثر مرسل فارسی - آشکار است. پژوهش حاضر با تکیه بر چنین خلأ مطالعاتی، متن بالا را به عنوان منبع پژوهشی خود برگزیده‌است.

۳. پرسش‌های پژوهش

با در نظر گرفتن آثار مورد اشاره، پژوهش پیش رو در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که از این قرارند: نخست، نسبت خروج بند موصولی به حفظ بند در جایگاه کانونی در *سفرنامه* چه مقدار است؟ دوم، فراوانی خروج بند موصولی از کدام جایگاه در *سفرنامه* بیشتر است؟ سوم، با توجه به آزاد بودن وضعیت معرفگی هسته گروه اسمی در فارسی، گرایش غالب این اثر به استفاده از کدام نوع اسم در این جایگاه است؟ چهارم، *سفرنامه* از بین امکانات موجود در زبان فارسی برای ایجاد پیوند بین بند موصولی و بند اصلی، از کدام شیوه و به چه میزان بهره می‌برد؟ پنجم، وضعیت بندهای خروج یافته *سفرنامه* بر اساس ساخت اطلاعی فعل چگونه است؟ ششم، نسبت وزن دستوری در بندهای موصولی خروج یافته *سفرنامه* چگونه است؟

۴. روش انجام پژوهش

داده‌های این پژوهش به شیوه اسنادی گردآوری شده و بر اساس روش نمونه‌گیری نظام‌مند از همه فصل‌های مختلف *سفرنامه* به کوشش دبیر سیاقی (Dabir Seyaqi, 1983) استخراج شده‌است.

به سبب تعداد نسبتاً بالای بندهای موصولی این اثر، هر فصل کتاب که شرح سفر به یک شهر یا منطقه است، به عنوان یک خوشه انتخاب شد. سپس با استفاده از جدول اعداد تصادفی، ۹۰ صفحه از این کتاب ۱۷۵ صفحه‌ای با فاصله‌های دو صفحه نمونه‌گیری شد. پس از پایان یافتن نمونه‌گیری، تعداد ۲۲۱ بند موصولی از متن سفرنامه به دست آمد که از این تعداد ۱۳۸ مورد آن بندهای موصولی خروج یافته بوده و ۸۳ مورد، بندهای موصولی خروج نیافته‌اند.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های گردآوری شده از سفرنامه، بر اساس شش پرسش مورد نظر، تحلیل شد و پاسخ به پرسش‌های اساسی پژوهش به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفت.

۵.۱. فراوانی خروج بند موصولی

خروج بند موصولی فرایندی است که طی آن، بند موصولی به جای آنکه در جایگاه کانونی خود - بلافاصله پس از گروه اسمی مرجع - قرار بگیرد، طی گشتار خروج به پایان جمله و پس از فعل بند اصلی منتقل می‌شود. برای نمونه در جمله (۱) در زیر، جمله داخل قلاب، بند موصولی است که در جایگاه کانونی خود قرار داشته و خروج پیدا نکرده است.

۱. از همه صناعاتها [که در آن شهر بود] کفشگر بیشتر بود (Dabir Seyaqui, 1983, p. 6).

گ.ا.م.^۱ [ب.م.^۲ کانونی]

این در حالی است که در فرایند خروج بند موصولی، این بند از جایگاه مجاور گروه اسمی مورد توصیف خود حرکت کرده و در جایگاهی پس از فعل جمله فرود می‌آید. در جمله (۲) در زیر، جمله‌واره داخل قلاب که توصیف‌گر گروه اسمی چیزی است، از جایگاه اصلی خود حرکت کرده و پس از پایان مرز جمله اصلی و بعد از طلبید که فعل جمله اصلی است فرود آمده است.

۲. چیزی --- باید طلبید [که خرد و هوش بیافزاید] (Dabir Seyaqui, 1983, p. 2).

گ.ا.م. [ب.م. خروج یافته]

این جمله را می‌توان فرآورده وقوع فرایند خروج بند موصولی بر روی جمله (۳) با شکل زیرساختی اشاره شده در زیر در نظر گرفت که پس از فرایند خروج به شکل جمله (۲) درآمده است.

^۱ گ.ا.م. = گروه اسمی مرجع

^۲ ب.م. = بند موصولی

۳. چیزی [که خرد و هوش بیافزاید] باید طلبد.

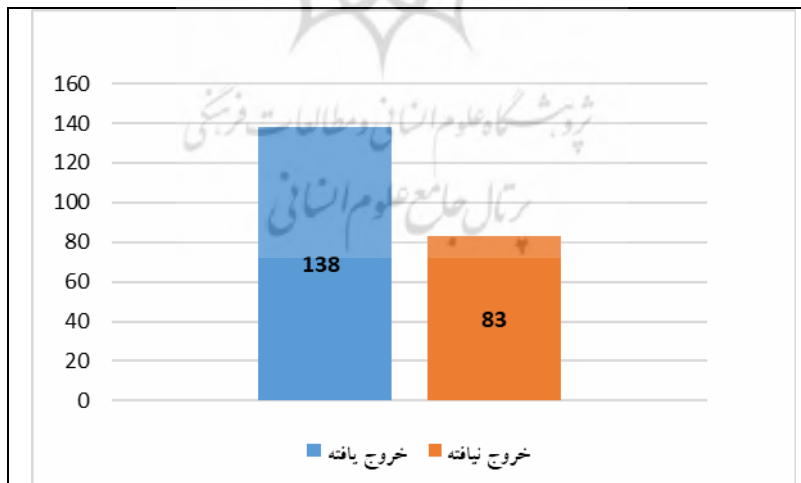
گ.ا.م [ب.م خروج نیافته]

همان گونه که مشاهده می‌شود، هر دو جمله (۱) و (۲) و جمله زیرساختی (۳) از جنبه دستوری خوش ساخت به شمار می‌آیند و خروج بند موصولی در میزان دستوری بودن آنها تغییری ایجاد نمی‌کند. ولی در جمله (۲) بین عناصر اصلی بند پایه (مفعول، فعل) فاصله‌ای وجود ندارد، در حالی که در جمله (۳)، بند موصولی [که خرد و هوش بیافزاید] بین مفعول چیزی و فعل طلبد فاصله ایجاد کرده‌است.

بر مبنای تعریف بالا از خروج بند موصولی، از مجموع ۲۲۱ مورد بند موصولی به دست آمده از متن سفرنامه، تعداد ۱۳۸ مورد آنها، بند موصولی خروج یافته‌اند. مشاهده می‌شود که در ۶۲ درصد از موارد، بند موصولی به جای ظهور در جایگاه اصلی خود که بلافاصله پس از گروه اسمی هسته است، در جایگاه پس از فعل ظاهر شده‌است.

جدول ۱: توزیع خروج بند موصولی در سفرنامه

درصد	فراوانی	
۶۲.۴۴	۱۳۸	خروج یافته
۳۷.۵۶	۸۳	خروج نیافته



شکل ۱: پراکندگی خروج بند موصولی در سفرنامه

شکل (۱)، نشان‌دهنده فراوانی بندهای موصولی در سفرنامه و پراکندگی آنها بین دو دسته خروج یافته و خروج نیافته است.

اهمیت شکل (۱)، به ویژه هنگامی مشخص تر خواهد بود که این نسبت ۶۲/۴۴ درصدی با میزان خروج بند موصولی در بررسی پیکره‌ای راسخ‌مهند و همکاران (Rasekh-Mahand et al., 2012, p. 28) مقایسه شود. این در حالی است که راسخ‌مهند و همکاران (همان) در مطالعه خود بر روی متون نوشتاری معاصر، نسبت خروج بند موصولی به عدم خروج بند را ۲۲ درصد، یعنی در حدود یک پنجم موارد گزارش می‌کنند. نسبت خروج بند در *سفرنامه* که متعلق به نثر مرسل غزنوی و اوایل سلجوقی است، تقریباً نزدیک به ۳ برابر است. بنابراین، در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، در *سفرنامه* خروج بند موصولی بیشتر از حفظ بند در جایگاه کانونی خود بوده است.

۵.۲. نقش گروه اسمی در بند پایه و پیرو

گروه اسمی مرجع بند موصولی، دارای نقشی دوگانه در جمله پایه و جمله پیرو بوده و می‌تواند در هر یک از دو جمله پایه یا پیرو، دارای نقش‌های متنوعی مانند نقش فاعلی^۱، مفعول مستقیم^۲، مفعول غیر مستقیم^۳، مفعول حرف اضافه^۴، اضافه ملکی^۵ و مفعول مقایسه‌ای^۶ باشد. برای نمونه، در جمله (۴) در زیر، گروه اسمی مرجع دارای نقش فاعلی در جمله اصلی بوده و بند موصولی در توصیف فاعل بند اصلی نمایان شده است. لازم به گفتن است که در ادامه بحث، برای روشن تر شدن مطلب، نمونه بازسازی شده نیز به صورت (ب) برای همه مثال‌ها ارائه شده تا نشان‌دهنده جایگاه زیرساختی جمله‌واره موصولی قبل از اعمال فرایند خروج باشد.

۴. الف) و امیر مدینه آن سال به مصر بیامد [که او را بر سلطان رسمی بود] (Dabir Seyaqa, 1983, p. 98).

گ. ا. م. - فاعل فعل بند اصلی [ب. م. دارای ضمیر جایگزین اسم در نقش فاعل بند پیرو]
ب) و امیر مدینه [که او را بر سلطان رسمی بود] آن سال
به مصر بیامد.

گ. ا. م. - فاعل فعل بند اصل [ب. م. ضمیر جایگزین اسم در نقش فاعل بند پیرو]
و یا جمله (۵) که در آن گروه اسمی مرجع بند موصولی، در جمله پایه در نقش مفعول بند اصلی ظاهر شده است.

۵. الف) حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت [که اندوه دنیا کم کند]

¹ subject

² direct object

³ indirect object

⁴ oblique case NP

⁵ genitive (possessor)

⁶ object of comparison

(Dabir Seyaqi, 1983, p. 2).

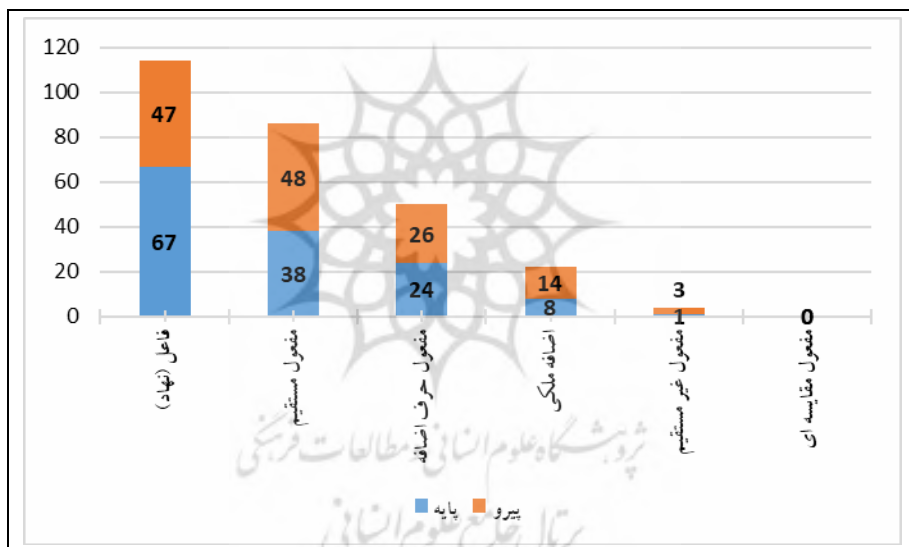
گ.ا.م- مفعول فعل ساخت بند اصلی [ب.م خروج یافته]
ب) حکما جزاین [که اندوه دنیا کم کند] چیزی نتوانستند
ساخت.

گ.ا.م- مفعول فعل ساخت بند اصلی [ب.م خروج نیافته]
با نگاهی دقیق تر به هر دو جمله بالا، مشخص می شود که گروه اسمی مرجع، افزون بر نقش خود در بند اصلی، دارای نقشی مشابه یا متفاوت در بند پیرو یا همان بند موصولی نیز است. برای نمونه، گروه اسمی /میر مدینه در جمله (۴)، که در جایگاه (فاعل) بند اصلی نمایان شده است، در بند پیرو نیز همان جایگاه فاعل را دارد. این نقش به وسیله ضمیر هم مرجع /و در جمله نمایش داده شده است. این در حالی است که گروه اسمی /این در جمله (۵) در جمله اصلی مفعول مستقیم است و در بند پیرو - بند موصولی - دارای نقشی مجزا و متفاوت بوده و به عنوان فاعل جمله پیرو عمل می کند.

بر این اساس، از آن جا که بر مبنای گفته صفوی (Safavi, 1994, p. 185) گروه اسمی مرجع بند موصولی، هم در بند پایه حضور دارد و هم در بند پیرو، می تواند در هر دوی این بندها نقشی مشابه داشته باشد (برای نمونه در هر دو بند نقش فاعلی داشته باشد) و یا در هر یک دارای نقشی متفاوت باشد (برای نمونه، در بند پایه، نقش فاعلی و در بند پیرو، نقش مفعولی داشته باشد).
با شناسایی بندهای موصولی سفرنامه و هم راستا با سلسله مراتب موصولی سازی کینان و کامری (Keenan & Comrie, 1977)، گروه های اسمی مرجع بند در نقش های فاعل (نهاد)، مفعول مستقیم، مفعول غیر مستقیم، مفعول حرف اضافه، اضافه ملکی، و مفعول مقایسه ای طبقه بندی شده و به تفکیک جایگاه خود در هر دو گروه بندهای پایه و پیرو بررسی شدند. شکل (۲)، توزیع خروج بندهای موصولی را بر اساس شباهت جایگاه های گروه اسمی در دو بند پایه و پیرو به تفکیک نوع نقش ها به نمایش می گذارد.

جدول ۲: پراکندگی خروج بندهای موصولی به تفکیک نقش‌های گروه اسمی

پیرو		پایه		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۱	۴۷	۵۹	۶۷	فاعل (نهاد)
۵۶	۴۸	۴۴	۳۸	مفعول مستقیم
۵۲	۲۶	۴۸	۲۴	مفعول حرف اضافه
۶۴	۱۴	۳۶	۸	اضافه ملکی
۷۵	۳	۲۵	۱	مفعول غیر مستقیم



شکل ۲: توزیع خروج بندهای موصولی به تفکیک نقش‌های گروه اسمی

همان گونه که مشاهده می‌شود، مجموع جایگاه‌های اصلی (فاعل و مفعول مستقیم) در هر دو دسته بندهای پایه و پیرو در دسترس‌ترین جایگاه‌های اشغال‌شده توسط مرجع بند موصولی خروج یافته هستند. فراوانی نقش فاعلی (یا نهادی) برای هسته گروه اسمی مرجع در بند پایه، برابر با ۶۷ بوده، و فراوانی نقش مفعول مستقیم در این بندها، ۳۸ مورد بوده است. در بندهای پیرو نیز برتری جایگاه‌های اصلی برقرار است. هرچند در این بندها، جایگاه مفعول مستقیم یک مورد بیش از جایگاه فاعل (نهاد) است. بنابراین، هم‌راستا با سلسله‌مراتب جهانی کینان و کامری (Keenan & Comrie, 1977) یافته‌های مستخرج از سفرنامه نیز تأیید کننده این نکته است که

دو جایگاه اصلی، پرکاربردترین جایگاه‌های گروه اسمی برای مشارکت در فرایند خروج بند موصولی هستند. هر چند بعد از این دو جایگاه داده‌های *سفرنامه*، کاملاً منطبق با سلسله‌مراتب کینان و کامری نبوده و مفعول غیر مستقیم در هر دو دسته‌بندی‌های پایه و پیرو، فراوانی کمتری نسبت به مفعول حرف اضافه و اضافه ملکی داشته‌است. بنابراین، در پاسخ به پرسش دوم، یافته‌های این پژوهش، به ترتیب جایگاه‌های فاعلی (نهاد) و مفعول مستقیم را در دسترس‌ترین جایگاه‌های خروج بند موصولی در *سفرنامه* معرفی می‌کند.

۵.۳. وضعیت معرفی گروه اسمی هسته در بند پایه

گروه اسمی‌ای که در جایگاه مرجع بند موصولی نمایان می‌شود در زبان‌های گوناگون، مشمول محدودیت‌ها و قواعد متفاوتی است. یکی از وجوه این محدودیت‌ها، توجه به وضعیت معرفی گروه اسمی است. یک گروه اسمی به طور کلی می‌تواند معرفه و یا نکره باشد. زبان‌های متفاوت از ابزارهای گوناگونی برای نمایش این تمایز بهره می‌برند. در فارسی، گروه‌های اسمی که با عنصر پیشین یک و یا علامت نکرهٔ پسین «ی» مشخص می‌شوند، نکره‌اند. در مقابل اسم‌های خاص، مانند اسم‌های شهرها، کشورها، افراد و موارد مشابه، و همچنین ضمائر، در دستهٔ گروه اسمی معرفه قرار می‌گیرند. برای نمونه در جملهٔ (۶) در زیر اسم عام رود با علامت نکرهٔ ی همراه شده‌است.

۶. الف) رودی آب بود [که آن را شاهرود می‌گفتند] (Dabir Seyaqui, 1983, p. 6).

گ. ا. م. ی نکره [ب. م. خروج یافته]

ب) رودی آب [که آن را شاهرود می‌گفتند] بود.

گ. ا. م. ی نکره [ب. م. خروج نیافته]

در مقابل در جملهٔ (۷) زیر، مرجع بند موصولی گروه اسمی مصر است که اسم خاص بوده و معرفه است و فاقد نشانه‌های نکره.

۷. الف) باز به جانب مصر برفتم [که کتب بداشتم آنجا] (Dabir Seyaqui, 1983, p. 106).

گ. ا. م. اسم خاص [ب. م. خروج یافته]

ب) باز به جانب مصر [که کتب بداشتم آنجا] برفتم.

گ. ا. م. اسم خاص [ب. م. خروج نیافته]

ضمائر نیز، در دستهٔ گروه‌های اسمی معرفه در نظر گرفته شده و از این رو بدون هیچ علامت نکره‌ای در جمله ظاهر می‌شوند. برای نمونه، در جملهٔ (۸) در زیر، ضمیر *ما* بدون علامت نکره، و به صورت معرفه نمایان شده‌است.

۸ الف) ما آنانیم [که پلاس پاره‌ها را بر پشت بسته بودیم] (Dabir Seyaqui, 1983, p. 158).

گ.ا.م- ضمیر [ب.م خروج یافته]

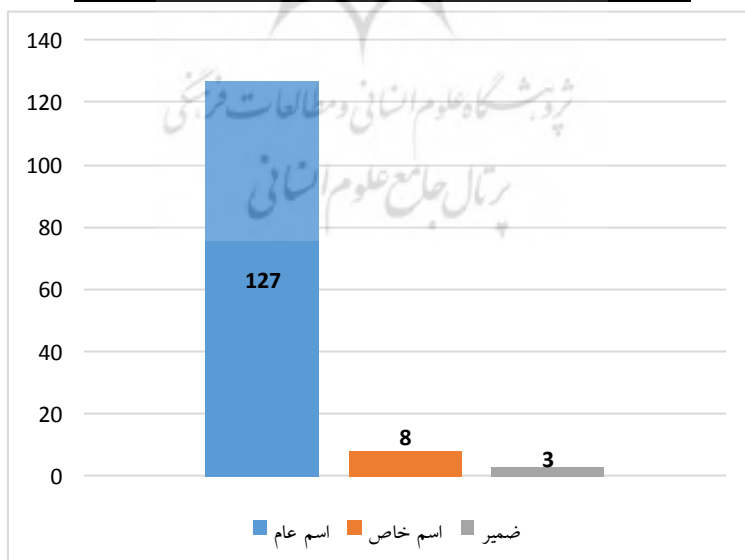
ب) ما آنان [که پلاس پاره‌ها را بر پشت بسته بودیم].م.

گ.ا.م- ضمیر [ب.م خروج یافته]

با این وجود، همان گونه که بیان شد، همه انواع گروه‌های اسمی در تمام زبان‌ها مجاز به حضور در جایگاه مرجع بند موصولی نیستند، به گونه‌ای که در برخی زبان‌ها همچون انگلیسی ضمیر شخصی نمی‌تواند در این جایگاه قرار گیرد. هرچند بنا بر پژوهش بهرامی (Bahrami, 2016) گروه اسمی هسته در زبان فارسی از جنبه معرفه بودن می‌تواند اسم عام، اسم خاص و حتی ضمیر باشد، یافته‌های پژوهش حاضر سهم هر سه این گروه‌ها را یکسان ارزیابی نمی‌کند. همچنین، همان گونه که جدول زیر نشان می‌دهد تفاوت فراوانی حضور هر یک از این عناصر گروه اسمی هسته را نیز به دست می‌دهد.

جدول ۳: فراوانی گروه اسمی هسته به تفکیک نوع معرفگی

درصد	فراوانی	
۹۲.۰۳	۱۲۷	اسم عام
۵.۸۰	۸	اسم خاص
۲.۱۷	۳	ضمیر



شکل ۳: فراوانی گروه اسمی هسته به تفکیک نوع معرفگی

همان گونه که شکل (۳) نشان می‌دهد، با وجود اینکه در زبان فارسی همه انواع گروه‌های اسمی می‌توانند هسته بند موصولی خروج یافته باشند، در ۱۲۷ مورد از ۱۳۸ بند موصولی خروج یافته متن *سفرنامه*، یعنی ۹۲ درصد از موارد این اسم عام است که به عنوان هسته گروه اسمی ظاهر شده است. اسم خاص و ضمیر در مجموع حدود ۸ درصد از موارد را به خود اختصاص داده‌اند که در این بین نیز، اسم خاص دو برابر ضمیر این جایگاه را اشغال کرده است. به بیان دیگر، هر چند از جنبه دستوری در زبان فارسی انتخاب ضمیر به عنوان هسته گروه اسمی غیر دستوری نیست، از جنبه کاربردی استفاده از این امکان در متن این سفرنامه بسیار محدود به شمار می‌آید. بنابراین، در پاسخ به پرسش سوم، داده‌های به دست آمده از *سفرنامه* اسم عام را پرکاربردترین گروه اسمی در جایگاه هسته بند موصولی معرفی می‌کند.

۵. ۴. گروه اسمی هم‌مرجع با هسته

به طور کلی بندهای موصولی بر اساس حضور یا عدم حضور گروه اسمی هم‌مرجع با هسته در درون بند موصولی به چهار نوع عمده دسته‌بندی می‌شوند. بر این اساس، گروه اسمی هم‌مرجع با بند موصولی می‌تواند: ۱- به طور کامل در بند موصولی تکرار شود؛ ۲- ضمیری مرتبط با گروه اسمی در بند موصولی حضور یابد؛ ۳- ضمیر موصولی در ابتدای بند بیاید که هم نشانه بند موصولی باشد و هم نقش ضمیر را ایفا کند؛ ۴- در بند موصولی خلأ وجود داشته باشد، به این معنا که نه گروه اسمی تکرار شود و نه ضمیر مرتبط با آن در بند حضور یابد (Mowlaei, 1992-94, p. 92-94). برای نمونه، در جمله (۹) در زیر شاهد تکرار کامل گروه اسمی هم‌مرجع در بند موصولی هستیم.

۹. الف) زیر آن تل غاری بود [که قبر مادر موسی (ع) در آن غار بود] (Dabir Seyaqi, 1983, p. 28).

گ.ا.م بند موصولی [ب.م خروج یافته دارای تکرار کامل گ.ا.م.]

ب) زیر آن تل غاری [که قبر مادر موسی (ع) در آن غار بود] بود.

گ.ا.م بند موصولی [ب.م خروج نیافته دارای تکرار کامل گ.ا.م.]

این در حالی است که در جمله (۱۰) در زیر، گروه اسمی مرجع به طور کامل تکرار نشده، بلکه ارتباط بین این دو جمله با استفاده از ضمیر شخصی هم‌مرجع با گروه اسمی برقرار شده است.

۱۰. الف) مردی نشان دادند [که او را استاد علی نسایی می‌گفتند] (*سفرنامه*، ۶).

گ.ا.م [ب.م خروج یافته دارای ضمیر شخصی هم‌مرجع]

ب) _____ردی [که او را استاد علی نسایی می گفتند] نشان دادند.

گ.ا.م. [ب.م خروج نیافته دارای ضمیر شخصی هم مرجع]

همان گونه که مشاهده می شود، در بند موصولی داخل قلاب، ضمیر شخصی/ او ظاهر شده است که مرجع آن، گروه اسمی مردی در جایگاه مفعولی بند پایه است. زبان فارسی همچنین می تواند به جای هر یک از دو راهکار بالا، از شیوهٔ خلاگذاری بهره گیرد که در آن بند موصولی فاقد نشانه های مرتبط با گروه اسمی هم مرجع خود در جمله پایه است.

۱۱. الف) چیزی باید طلبد [که -] خرد و هوش بیافزاید] (Dabir Seyaqi, 1983, p. 2).

گ.ا.م. [ب.م دارای خلأ]

ب) چیزی [که -] خرد و هوش بیافزاید] باید طلبد.

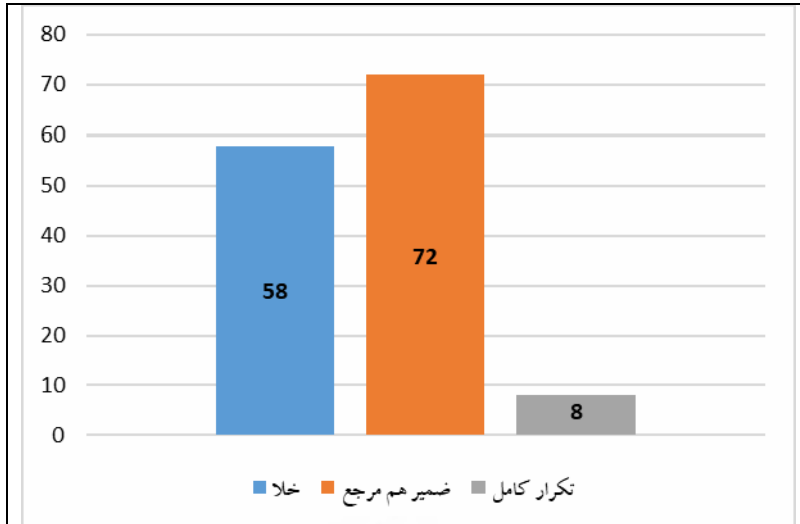
گ.ا.م. [ب.م دارای خلأ]

برای نمونه، در جمله (۱۱) در بند موصولی مشخص شده با قلاب - که توضیحی است دربارهٔ گروه اسمی چیزی در بند اصلی - نه گروه اسمی تکرار شده و نه ضمیری هم مرجع با آن به کار رفته است؛ بلکه به جای این هر دو، در جایگاه فاعلی بند موصولی، خلأ وجود دارد که در جمله (۱۱) با نشانه [-] مشخص شده است.

زبان فارسی فاقد ضمیر موصولی است و بر خلاف انگلیسی علامت موصولی در فارسی همواره ثابت است. یعنی بدون در نظر گرفتن اینکه گروه اسمی مرجع در بند پیرو دارای نقش فاعلی، مفعولی، متممی یا موارد مشابه باشد، علامت موصولی فارسی در تمام موارد دارای شکل ثابت «که» است (Keenan & Comrie, 1977). بنابراین، زبان فارسی از جنبهٔ نحوی به جز ابزار ضمیر موصولی، به هر سه گزینهٔ دیگر دسترسی دارد. ولی داده های این پژوهش میزان استفاده از این امکانات را برابر نشان نمی دهد. بر این اساس، همان گونه که در جدول زیر مشاهده می شود، از مجموع ۱۳۸ بند موصولی خروج یافته، استفاده از خلأ با ۵۸ مورد در جایگاه دوم و تکرار کامل گروه اسمی با ۷۲ مورد در فاحش و تنها ۸ مورد وقوع، در رتبهٔ آخر قرار دارد.

جدول ۴: گروه اسمی هم مرجع با هسته در بند موصولی

درصد	فراوانی	
۴۲.۰۳	۵۸	خلأ
۵۲.۱۷	۷۲	ضمیر هم مرجع
۵.۸۰	۸	تکرار کامل



شکل ۴: گروه اسمی هم‌مرجع با هسته در بند موصولی

نکته جالب توجه دیگر در داده‌های مستخرج از سفرنامه، پیدا شدن نمونه‌هایی هر چند محدود، اما شایسته توجه در شیوه استفاده از ابزار گروه اسمی هم‌مرجع در بند موصولی است. هر چند پژوهش‌های انجام‌شده بر روی متون نوشتاری فارسی معاصر، استفاده از شیوه خلا را در حالتی که عنصر هم‌مرجع با هسته دارای نقش فاعلی باشد اجباری می‌دانند، (Rasekh-Mahand et al., 2016, p. 21) و (Mowlaei Kuhbanani, 2018, p. 99) در متن این سفرنامه در نمونه‌هایی همچون جمله‌های زیر، نه خلا، بلکه ضمیر هم‌مرجع با گروه اسمی در بند موصولی نمایان شده است.

۱۲. الف) به جای --- رسیدیم [که آنجا مسجدی بود] (Dabir Seyaqi, 1983, p. 10).

گ.ا. هسته [ب.م دارای ضمیر هم‌مرجع]

ب) به جای [که آنجا مسجدی بود] رسیدیم.

گ.ا. هسته [ب.م دارای ضمیر هم‌مرجع]

۱۳. الف) خانه --- بر دکان نهاده است [که آن دوازده گز ارتفاع دارد] (Dabir Seyaqi, 1983, p. 50).

گ.ا هسته [ب.م دارای ضمیر هم مرجع]

ب) خانه [که آن دوازده گز ارتفاع دارد] بر دکان نهاده است.

گ.ا هسته [ب.م دارای ضمیر هم مرجع]

۱۴. الف) مردی --- عجمی با من پیوست [که او از آذربایجان بود] (Dabir Seyaqi, 1983, p. 26).

گ.ا هسته [ب.م دارای ضمیر هم مرجع]

ب) مردی [که او از آذربایجان بود] عجمی با من پیوست.

گ.ا هسته [ب.م ضمیر هم مرجع]

بنابراین، در پاسخ به پرسش چهارم، پژوهش حاضر استفاده از ضمیر هم مرجع با گروه اسمی هسته را با میزان رخداد ۵۲ درصد موارد، پرکاربردترین روش در *سفرنامه* معرفی می کند. پس از آن خلاگذاری با تقریباً ۴۲ درصد رخداد، دومین شیوه پر کاربرد متن *سفرنامه* به شمار آمده و تکرار کامل گروه اسمی با کمترین فراوانی، ۶ درصد، کم کاربردترین شیوه در این اثر ارزیابی می شود.

۵.۵. فعل و ساخت اطلاعی آن

از جمله عوامل مؤثر بر خروج بند موصولی که پیش از این توسط فرانسیس (Francis, 2010) شیخ الاسلامی (Sheykho'1 Eslami, 2008) و راسخ مهند و همکاران (Rasekh-Mahand et al., 2012) نیز مورد بررسی قرار گرفته است، نوع فعل و وضعیت ساخت اطلاعی آن است. عناصر ارائه شده در جمله می توانند عناصر حاوی ساخت اطلاعی نو، عناصر دارای ساخت اطلاعی کهنه، و عناصر دارای ساخت اطلاعی مفروض باشند. به باور آقاگل زاده و رضویان (Aghagolzadeh & Razavian, 2007)، اطلاع کهنه را می توان در قالب یکی از صورت های نحوی زیر جستجو کرد: « ۱) واحدهای واژگانی که برای دومین بار تکرار می شوند، ۲) واحدهای واژگانی که در حوزه معنایی^۱ عبارت^۲ قرار دارند و قبلاً ذکر شده اند، ۳) ضمایی که به جای عبارات های اسمی به کار رفته در جملات قبلی می آیند، ۴) ضمایی که برون ارجاعی هستند و مرجع آن ها به موقعیت و بافت فیزیکی بر می گردد، و ۵) جانشین های فعلی مثل فعل های کمکی یا معین»

^۱ semantic filed

^۲ به نظر نگارندگان، منظور آقاگل زاده و رضویان (Aghagolzadeh & Razavian, 2007) از اصلاح «عبارت»، همان «گروه» هست که به صورت های گوناگونی همچون گروه اسمی، گروه صفتی و موارد مشابه به کار می رود.

(Aghagolzadeh & Razavian, 2007, p. 5). بنا بر یافته‌های پژوهش راسخ‌مهند و همکاران (Rasekh-Mahand et al., 2012) «افعال لازم نامفعولی و افعال ربطی، اطلاع زمینه‌ای و مفروض دارند و معمولاً عنصر بعد از آن‌ها دارای اطلاع نو است». بر همین مبنا، به باور آن‌ها «به احتمال زیاد بند موصولی خارج شده پس از این گونه افعال بیشتر دیده می‌شود اما افعال متعدی معمولاً دارای اطلاع نو هستند و کمتر در این موقعیت دیده می‌شوند» (Rasekh-Mahand et al., 2012, p. 34). به بیان دیگر، انتظار می‌رود خروج بند موصولی پس از جمله‌های پایه با فعل ربطی و فعل لازم غیر مفعولی بیشتر باشد. برای نمونه، در جمله (۱۵) در زیر:

۱۵. هر طعام و میوه و مأكول [که در عجم دیدم] همه آنجا موجود بود (Dabir Seyaqui, 1983, p. 20).

[ب.م بند موصولی خروج نیافته]

فعل بند اصلی دیدم فعل متعدی است که دارای اطلاع نو است و همان گونه که مشاهده می‌شود بند موصولی بعد از آن نیز خروج پیدا نکرده و در جایگاه کانونی خود باقی مانده است. این در حالی است که در جمله (۱۶) فعل بند پایه، فعل ربطی بود است که عناصر همراه با آن دارای اطلاع زمینه‌ای بوده و همان گونه که مشاهده می‌شود بند موصولی بعد از خود را خروج داده است.

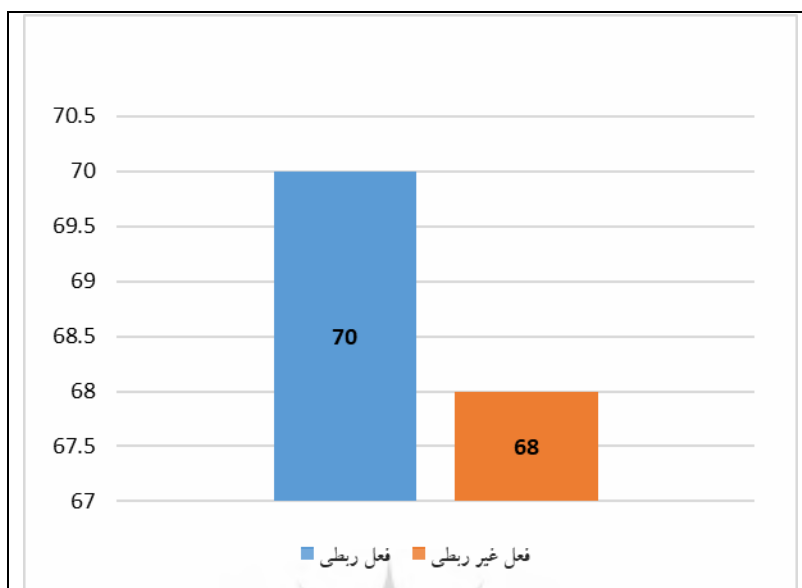
۱۶. رودی آب بود [که آن را شاهرود می‌گفتند] (Dabir Seyaqui, 1983, p. 6).

[ب.م بند موصولی خروج یافته]

پژوهش حاضر با دسته‌بندی فعل‌های بند پایه به دو گروه اصلی فعل‌های ربطی و غیرربطی، داده‌های مستخرج از متن سفرنامه را مورد بررسی قرار داده است. در این راستا، فراوانی افعال بند پایه در نمونه‌های خروج بند موصولی، به تفکیک نوع آن مورد شمارش قرار گرفت که از مجموع ۱۳۸ فعل بند پایه، ۷۰ مورد آن فعل ربطی و ۶۸ مورد باقیمانده را فعل‌های غیر ربطی تشکیل می‌دهند.

جدول ۵: تأثیر ساخت اطلاعی فعل بر خروج بند موصولی

درصد	فراوانی	
۵۰.۷۲	۷۰	فعل ربطی
۴۹.۲۸	۶۸	فعل غیر ربطی



شکل ۵: تأثیر ساخت اطلاعاتی فعل بر خروج بند موصولی

بر مبنای یافته‌های بالا، در پاسخ به پرسش پنجم، با توجه به شکل (۵)، مشاهده می‌شود که در کمی بیش از ۵۰ درصد از موارد، بند موصولی خروج یافته دارای فعل ربطی بوده‌است و در ۴۹ درصد از موارد خروج بند موصولی بعد از سایر انواع فعل - که در این پژوهش فعل‌های غیر ربطی نامیده شده‌اند - انجام می‌پذیرد. بدین معنی، ساخت اطلاعاتی فعل بر خروج بند موصولی در این سفرنامه تأثیر داشته و کمی بیش از نیمی از موارد خروج بند موصولی در این کتاب، از جایگاه پس از فعل‌های ربطی که دارای اطلاع کهنه و مفروض هستند رخ داده‌است؛ در حالی که سایر انواع فعل، مطابق با دسته‌بندی غلامعلی‌زاده (Gholamalizade, 2007)، شامل شش طبقه عمده فعل‌های لازم، فعل‌های متعدی تک مفعولی، متعدی دو مفعولی، متعدی مرکب، متعدی دارای متمم قیدی و لازم دارای متمم قیدی (Gholamalizade, 2007, p. 118) روی هم رفته سهمی کمتر از ۵۰ درصد در فرایند خروج بند موصولی را به خود اختصاص داده‌اند.

۶.۵. تأثیر وزن دستوری بر خروج بند موصولی

آخرین ملاک مورد بررسی در این مقاله، سنجش تأثیر وزن دستوری بر خروج بند موصولی است. در این پژوهش وزن دستوری، بر اساس ملاک مورد استفاده در راسخ‌مهند و همکاران (Rasekh-Mahand et al., 2012, p. 29) به کمک معیار نسبت طول بند موصولی اندازه‌گیری شده‌است. نسبت طول بند موصولی بر این اساس عبارت است از نسبت حاصل از تقسیم طول بند

موصولی بر طول گروه فعلی بند اصلی. برای نمونه در جمله (۱۷) در زیر:

۱۷. الف) حصیر سازند [که مصلاهی نمازی از آن در همانجا به پنج دینار مغربی بخرند] (Dabir 30, p. 1983, Seyaqi).

[ب.م خروج نیافته]

ب) حصیر [که مصلاهی نمازی از آن در همانجا به پنج دینار مغربی بخرند] سازند.

[ب.م خروج نیافته]

وزن دستوری برابر است با طول بند موصولی (معادل دوازده واژه) که با گروه مشخص شده است تقسیم بر تعداد سازه‌های بلافصل گروه فعلی که فقط دو واژه را در بر می‌گیرند که مشتمل اند بر فعل سازند و یک مفعول مستقیم حصیر. بنابراین، وزن دستوری در جمله (۱۷) عبارت است از:

$$۶ = \frac{\text{تعداد واژه‌های بند موصولی}}{\text{تعداد سازه‌های گروه فعلی بند اصلی}} = \frac{۱۲}{۲} = ۶$$

۱۸. من و برادرم و غلامکی هندو [که با ما بود] وارد شدیم (Dabir Seyaqi, 1983, p. 6).

[ب.م خروج نیافته]

همان گونه که مشاهده می‌شود در جمله (۱۸) تعداد سازه‌های بلافصل فعل بند اصلی جمله بالا، که فعلی لازم است و فاقد مفعول، دو عنصر است و تعداد واژه‌های بند موصولی که با قلاب مشخص شده چهار واژه است. در این حالت معیار وزن دستوری برای جمله (۱۸) عبارت است از:

$$۲ = \frac{\text{تعداد واژه‌های بند موصولی}}{\text{تعداد سازه‌های گروه فعلی بند اصلی}} = \frac{۴}{۲} = ۲$$

همان گونه که مشاهده می‌شود، با افزایش طول بند موصولی نسبت به گروه فعلی، اثربخشی خروج بند نسبت به حفظ آن در جایگاه کانونی و اصلی خود بیشتر می‌شود. نمونه‌های بالا نیز تأیید کننده همین نکته است، به گونه‌ای که بند موصولی در جمله (۱۷)، با وزن دستوری ۶ خروج یافته است، در حالی که در جمله (۱۸) با وزن دستوری ۲، بند موصولی خروج نیافته و در جایگاه کانونی خود باقی مانده است. بر همین مبنا در پژوهش پیش رو، طول گروه فعلی بند اصلی برای تمام ۱۳۸ بند مستخرج از سفرنامه، سنجیده شده و بر اساس آن طول بند موصولی به دست آمده است. در پایان، میانگین کل نمونه‌ها (شامل ۱۳۸ مورد) ارزیابی شده است.

جدول ۶: وزن دستوری

عنوان	میانگین	تعداد	انحراف معیار
تعداد واژه‌ها در بند موصولی	۶.۲۹۱۳	۱۳۸	۲.۶۵۱۱
تعداد سازه‌های اصلی گروه فعلی بند اصلی	۱.۸۹۰	۱۳۸	۰.۴۲۷۸

همان‌گونه که جدول (۱) نشان می‌دهد میانگین تعداد واژه‌ها در ۱۳۸ بند موصولی مورد بررسی ۶.۲۹ است، در حالی که میانگین عناصر گروه فعلی بند اصلی در همین جملات ۱.۸۹۰ بوده است. وزن دستوری کل که حاصل میانگین کل نسبت‌های مورد اشاره در بالا است برای ۱۳۸ جمله مورد بررسی عبارت است از ۳.۳۳. این میزان نشان‌دهنده آن است که طول بندهای موصولی خروج یافته به طور میانگین تقریباً ۳.۳۳ برابر از طول گروه فعلی بند اصلی جمله‌های مربوطه بیشتر بوده است. نسبت ۶.۲۹ برای طول بند موصولی مبین آن است که بندهای موصولی در سفرنامه به طور میانگین دارای ۶ واژه بوده‌اند. با مقایسه همین نسبت در بررسی پیکره‌ای راسخ‌مهند و همکاران (Rasekh-Mahand et al., 2012, p. 31) که برابر ۷.۷۱ است، می‌توان گفت بندهای موصولی با میانگین طول ۶ واژه نیز در این سفرنامه خروج یافته‌اند. این به این معنا است که تعداد بندهای فعال در فرایند خروج بند موصولی در متن این اثر، بیشتر بوده و بندهای کوتاه‌تر نیز در فرایند خروج مشارکت داشته‌اند. این در حالی است که در متن‌های معاصر، بندهای به نسبت طولانی‌تری شامل فرایند خروج شده‌اند. بنابراین، در پاسخ به پرسش ششم، یافته‌های مستخرج از سفرنامه تأییدکننده این نکته‌اند که وزن دستوری بندهای موصولی خروج یافته بیش از عناصر فعلی درون گروه فعلی بند اصلی است.

۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، دلایل و انگیزه‌های خروج بند موصولی در سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مطالعه شده و بندهای موصولی این کتاب از دیدگاه فراوانی خروج، جایگاه خروج بند، وضعیت معرفتی گروه اسمی مرجع، شیوه اتصال بند با جمله پایه و وزن دستوری مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، نسبت خروج بند موصولی در سفرنامه را بیش از حفظ بند در جایگاه کانونی ارزیابی می‌کند. گرایش به خروج بند موصولی در متن این اثر را می‌توان یکی از عوامل دانست که این سفرنامه را به متنی روان، ساده و قابل فهم برای خواننده معاصر آن تبدیل کرده است. همچنین با مقایسه نسبت طول بندهای خروج یافته، مشاهده شد که میانگین طول

بندهای خروج یافته این کتاب پائین تر از میانگین طول بندهای خروج یافته در متن های معاصر است. همسویی این یافته ها، با بالاتر بودن تقریباً سه برابری آمار خروج بند موصولی در *سفرنامه* می تواند تأیید کننده همین نکته باشد. از دیگر نکته های در خور توجه در یافته های این پژوهش، مقایسه نسبت فراوانی نقش گروه اسمی در بندهای پایه و پیرو است. هر چند خروج از جایگاه فاعلی و مفعولی در بندهای پایه بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، این برتری در جایگاه های بعدی صادق نبوده و گروه مرجع بند موصولی خروج یافته، در بندهای پیرو بیشتر دارای نقش هایی چون مفعول غیر مستقیم، مفعول حرف اضافه، اضافه ملکی و مفعول مقایسه ای است. در مقایسه نسبت ظهور گروه اسمی مرجع در جایگاه های افزوده (که در سطوح پائین سلسله مراتب کینان و کامری قرار می گیرند) سهم بندهای پیرو بیشتر از سهم بندهای پایه بوده است. همچنین، درباره تکرار کامل گروه اسمی در بند موصولی، استفاده از ضمیر هم مرجع و یا خلأ، به نظر می رسد که استفاده از ضمیر هم مرجع با گروه اسمی، از جنبه حفظ ساختار ارجاعی و کمک به تسهیل درک مرجع بند موصولی راه حلی مناسب بوده و نرخ رخداد بالای آن در داده ها نیز تأیید کننده همین نکته است. بر همین مبنا، انتظار می رفت از بین دو شیوه باقی مانده، تکرار کامل گروه اسمی ابزار پر کاربرد دیگری باشد که در جایگاه دوم به کار گرفته می شود. این در حالی است که داده های مستخرج از *سفرنامه*، بر خلاف این پیش بینی، برتری استفاده از خلأ را بر تکرار کامل گروه اسمی نشان می دهد. در بررسی بندهای موصولی *سفرنامه* بر اساس ارتباط بند موصولی با گروه اسمی مرجع، نمونه هایی از شیوه ضمیر گذاری در حالت خروج بند موصولی فاعلی نیز دیده شد. این در حالی است که، استفاده از خلأ به هنگام خروج بند موصولی از جایگاه فاعلی اجباری معرفی شده و خلاف آن غیر دستوری به شمار می آید، یافته های به دست آمده از *سفرنامه* نشان دهنده آن است که ضمیر گذاری در حالت خروج بند موصولی از جایگاه فاعلی در فارسی متن معاصر وی غیر دستوری انگاشته نمی شده است.

فهرست منابع

- استاجی، اعظم (۱۳۸۹). «بررسی تاریخی کارکردهای چند گانه «که» در فارسی امروز». *زبان شناسی و گویش های خراسان*. سال ۲. شماره ۳. صص ۱-۱۳.
- آقا گل زاده، فردوس و سید حسین رضویان (۱۳۸۶). «بررسی ساخت اطلاعی جمله در داستان بوف کور». *زبان و زبان شناسی*. دوره ۳. شماره ۶. صص ۱-۱۳.
- بهرامی، کاوه (۱۳۹۵). «بررسی بندهای موصولی تحدیدی و غیر تحدیدی در زبان های فارسی و آلمانی». *جستارهای زبانی*. دوره ۷. شماره ۲. صص ۱۹-۳۲.

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، سال چهاردهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۴۰۱ / ۲۰۳

حق‌بین، فریده و هما اسدی (۱۳۹۳). «بررسی ساخت موصولی زبان فارسی بر اساس نظریه نقش و ارجاع».

پژوهش‌های زبانی. دوره ۵. شماره ۲. صص ۴۲-۲۱.

حقدار، علی اصغر (۱۳۸۵). کتاب‌شناسی سفرنامه‌ها در ایران. ترکیه: مرکز مطالعات ایرانی آنکارا.

دبیرسیاقی، محمد (۱۳۶۹). سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی مروزی. ج ۳. تهران: انتشارات زوار.

راسخ‌مهند، محمد، مجتبی‌علیزاده صحرائی، راحله ایزدی‌فر و مریم قیاسوند (۱۳۹۱). «تبیین نقشی خروج

بند موصولی در زبان فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال ۴. شماره ۶. صص ۴۰-۲۱.

سعیدیان، پریسا (۱۳۹۵). کلمات مرکب (اسم، صفت، قید و صوت) در دیوان، سفرنامه و جامع‌الحکمتین

ناصرخسرو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان.

شهرامی، محمدباقر (۱۳۸۷). بررسی مختصات زبانی و سبکی سفرنامه ناصرخسرو. پایان‌نامه کارشناسی

ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

شیخ‌الاسلامی، افتخار (۱۳۸۷). نقش ساختار اطلاعی در خروج بندهای موصولی زبان فارسی. پایان‌نامه

کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.

صفوی، کوروش (۱۳۷۳). برخی از ویژگی‌های بندهای موصولی زبان فارسی. مجموعه مقالات دومین

کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی. به کوشش علی میرعمادی. تهران: دانشگاه علامه

طباطبایی تهران. صص ۱۸۱-۱۹۷.

غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب.

مولایی کوه‌بنانی، حامد، علی‌علیزاده و شهلا شریفی (۱۳۹۷). «نقش ویژگی‌های رده‌شناختی ساخت

موصولی در تعیین ترتیب سازه‌های فارسی». زبان پژوهی. دوره ۱۰. شماره ۲۸. صص ۸۷-۱۱۴.

مولایی کوه‌بنایی، حامد (۱۳۹۶). بررسی ترتیب سازه‌های جمله و تبیین فرایند خروج در زبان فارسی بر پایه

دستور گفتمانی نقشی. رساله دکتری. دانشگاه فردوسی مشهد.

یوسف‌نژاد، سیاوش (۱۳۹۰). ضرورت واژه‌سازی و پیشینه آن در ادب فارسی با تکیه بر آثار منشور

ناصرخسرو. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز بابل.

غفاری، مهران، شهن نعت‌زاده، بلقیس روشن و مریم‌السادات غیاثیان، (۱۳۹۲). «سطوح پیچیدگی بندهای

موصولی فاعل-فاعل و مفعول در کودکان فارسی‌زبان ۳ تا ۶ ساله». جستارهای زبانی. دوره

۴. شماره ۴. صص ۲۴۴-۲۲۱.

References

- Aghagolzadeh, F., & Razavian, S. (2007). The study of information structure in Bufe Kur, 3 (6), 1-13 [In Persian].
- Bahrami, K. (2016). Comparison of Persian and German restrictive and non-restrictive relative clauses. *Language Related Researches*, 7 (2), 19-32 [In Persian].
- Dabir Seyaqui, M. (1983). *The NasirKhusraw Qobadiyani Marvzi's travelogue*. Tehran: Zavvar [In Persian].

- Estaji, A. (2010). Historical Study of different usage of “Ke” in Persian. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects Fredowsi University of Mashhad*, 2 (3), 1-13 [In Persian].
- Francis, E. (2010). Grammatical weight and relative clause extraposition in English. *Cognitive Linguistics*, 21, 35-7.
- Ghafari, M., Nematzade, S., RoVshan, B., & Ghiasian, M. (2014). Levels of complexity of OO and SO type relative clauses in preschool Persian speaking children. *Language Research*, 5 (901), 119-143 [In Persian].
- Gholamalizade, Kh. (2007). *Persian language structure*. Tehran: Ehya Ketab [In Persian].
- Göbbel, E. (2013). Extraposition of relative clauses: *Phonological Solutions Lingua* 136, 77-102.
- Haghibin, F., & Asadi, H. (2015). A role and reference grammar analysis of relative clauses in Farsi. *Language Research*, 5 (2), 21-41. doi: 10. 22059/jolr. 2015. 54183 [In Persian].
- Haghdar, A. (2006). *Ketabshenasiye Safarnameha Dar Iran*. Turkey: IRM center [In Persian].
- Keenan, E., & Comrie, B. (1977). Noun Phrase Accessibility and Universal Grammar. *Linguist Inquiry*, 8. (1). 63-99.
- Manninen, S. (2002). Extraposition and restrictive relative clauses. *Working Papers in English Linguistic*, 2, 1-17.
- Mowlaei Kuhbanani, H. (2018). *Persian word order and constituent extraposition explanation based on functional discourse grammar*. (Doctoral dissertation). Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran [In Persian].
- Mowlaei Kuhbanani, H., Alizadeh, A., & Sharifi, S. (2018). The role of typological features of relative structure on determining Persian word order. *Language Research*, 10 (28), 87-114. doi: 10. 22051/jlr. 2017. 12911. 1239 [In Persian].
- Oda, K. (2008). Irish (headed) headless relatives: Some descriptions and their theoretical implications. Paper presented at *Fifth Celtic linguistic conference plus Gregyong*, 7-9 September 2008 Newtown, Powys, Wales.
- Rasekh Mahand, M., Alizadeh sahraie, M., Izadifar, R., & Ghiasvand, M. (2012). The functional explanation of relative clause extraposition in Persian. *Researches in Linguistics*, 4 (6), 21-40 [In Persian].
- Rasekh-Mahand, M., Alizadeh-Sahraie, M., & Izadifar, R. (2016). A corpus-based analyses of relative clause extraposition in Persian. *Ampersand* 3, 21-31.
- Saediyan, P. (2017). *Compound words (nouns, adjectives, adverbs & interjections) in Diwan, Safarname and Jamea Al Hekmatein of Nasir Khusraw* (Master's thesis). Semnan University, Semnan, Iran. [In Persian].
- Safavi, k. (1994). Some features of Persian relative clauses. In A. Miremadi (Ed.), *Papers on 2nd conference of theoretical & practical linguistics*. (PP 197-181). Tehran: Allame Tabatabaie University [In Persian].
- Shahrami, M. B. (2008). *A study of the linguistics and stylistics features of the Nasir Khosraw's Safarnameh* (Master's thesis). Imam Khomeini International University, Mashhad, Iran [In Persian].
- Sheykho'l Eslami, E. (2008). *The role of information Structure in clause extraposition in Pesrian* (Master's thesis). University of Kurdistan, Kurdistan, Iran [In Persian].
- Tallerman, M. (1988). *Understanding syntax*. London: Routledge.
- Yousefnejad, S. (2019). *The necessity to for word formation and its background in*

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، سال چهاردهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۴۰۱ / ۲۰۵

Farsi literature relying on Nasir Khosraw's prose works (Master's thesis).
Payame Nour University, Babol Center, Iran.[In Persian].



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

